

«خدا» در باور و ادبیات روزمره چینیان

سید جلال امام*

DOI: 10.22096/rc.2025.2043499.1223

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۱]

چکیده

اصطلاحات، مثل‌ها و عبارتهایی همچون «امید به خدا»، «هرچه خدا بخواهد» و ... گوشه‌ای از جهان‌بینی و فرهنگ ملتی را نشان می‌دهد. در مورد این نوشتار یعنی فرهنگ چینی و در زبان روزمره چینیان به رغم باورمندی به دین و فلسفه شرقی و نیز دور شدن از زندگی دینی در چند دهه گذشته باز می‌توان عبارتهای و اصطلاحات، تکیه‌کلام‌ها و مثل‌هایی را شنید که به نوعی ناظر به باورمندی به سلطان توانای ناظر آگاه فعال ازلِ ابدی است. این واژگان و عبارتهای دربردارنده مفاهیمی است که هم در صفات ذات و هم در برخی صفات فعل می‌تواند برابر با خدا در ادیان ابراهیمی قرار داد، گرچه به دلیل تفاوت‌هایی در برخی صفات، نمی‌توان آنها را یکسان برشمرد. این نوشتار پس از بررسی وجود باور به خدای ماورالطبیعه در اندیشه گذشته چینیان، آن را در ادبیات امروزی نیز بررسی و تکیه‌کلام‌ها و عبارتهای دربردارنده آن را گردآوری کرده است. با این امید که بهره‌گیری از نقاط مشترک راه گفت‌وگو را باز کند و زمینه را برای گسترش روابط فرهنگی و دینی فراهم آورد.

واژگان کلیدی: توحید؛ تبیین؛ زبان امروزی چینی؛ ادیان شرقی؛ دائوئیسم؛ دُنگ جُنگ شو.

* استادیار، دانشکده آسیا آفریقا، دانشگاه مطالعات بین‌الملل، شیان، چین.



۱. مقدمه

زبان و خط، نماد و پنجره فرهنگ و تمدن است. نماد از آن رو که همچون نمایشگاهی بنیان و چهارچوب فرهنگ را به نمایش می‌گذارد و پنجره از آن رو که می‌تواند درگاه ورود به دنیای تو در توی فرهنگ و تمدن باشد. از واژگان و کلمات گرفته تا مثل‌ها و سروده‌ها تا اندازه بسیار زیادی می‌توانند اندیشه، جهان‌بینی و باورهای ملتی را پیش روی ما بگذارند. برای نمونه در زبان پارسی تکیه کلام‌هایی دعاگونه مانند «خدا قوت»، «یا علی»، «گوش شیطان کر»، «ان‌شاءالله» و... در زبان گفتاری روزانه ایرانیان نمایی از باورمندی آنها را نشان می‌دهد.

این تکیه کلام‌ها که در بیشتر زبان‌های قدیمی جهان از شماره بیرون‌اند، به نوعی در بردارنده مفاهیم دینی، افسانه‌ها و اسطوره‌ها هستند و به درستی می‌توانند همچون خانه‌های یک پازل در کنار هم چیده شوند و نمایی از باورهای فرهنگ و آن سوی معنوی یک قوم را نشان دهند.

در مورد مطالعه این نگارش، یعنی زبان چینی با رسم الخط ویژه، داستان کمی دیگرگون است. در بررسی فرهنگ‌های کهن و البته پرمایه و پر حرف و حدیث جهان، فرهنگ و تمدن چین جایگاه بلند و چهره شناخته شده‌ای دارد. بررسی‌های تاریخی نشان از آن دارد که ساکنان شمال مرکزی چین امروزی یا به عبارتی باشندگان در حوزه تمدنی رود زرد از چند هزار سال پیش از میلاد تصویرها و نگاره‌هایی در بردارنده مفاهیم دینی را در نقاشی‌ها و نوشته‌های خود را بر استخوان جانورانی همچون لاک پشت برای ما ماندگار کرده‌اند؛ تصویرهایی که پیش‌ترها کاراکتر یا شکلک الفبای زبان چینی را تشکیل دادند.

می‌دانیم که الفبای زبان چینی همچون فارسی و انگلیسی محدود به ۳۰ یا ۴۰ حرف نیست، بلکه هر کلمه خود، شکل و نگاره جدا دارد. این نگاره‌ها و شکلک‌ها در چند دوره به منظور آسانی در نگاشتن و خواندن ساده‌سازی شده، اما باز ریشه‌ها و رگه‌های نگاره‌های قدیمی در آنها قابل ردیابی است؛ به همین دلیل با دقت در نگاره‌های حدود هزار پیش از میلاد، می‌توان اطلاعات دقیق‌تری از جهان‌بینی و اندیشه چینیان به دست آورد.

در دسته‌بندی کلان ادیان به ابراهیمی و شرقی، چینی‌ها و جهان‌بینی‌شان در دسته دوم گنجانده می‌شود و به دلیل ناموری فلسفه و جهان‌بینی ادیان شرقی به طبیعت‌محوری، تصور رایج این است که کمتر می‌توان در فرهنگ و تمدن چین از باور به آفریدگار ازل و ابدی، خالق دانای توانای سلطان بر هستی سراغی گرفت. برخی می‌پندارند باورهای آنان در ۷۰ سال

گذشته زیر فرمانروایی اندیشه کمونیست کم‌رنگ و به دست فراموشی سپرده شده است.

اگرچه چین در نیمه دوم سده گذشته انقلاب فرهنگی بسیار بزرگی را پشت سر گذاشت، دگرگونی‌های بسیاری در بنیادهای فرهنگی این کشور اتفاق افتاد و تجربه زندگی مدرن در چند دهه اخیر بستر دور شدن از سبک زندگی دینی-سنتی در مناطق گسترده‌ای از کشور چین را فراهم آورد با این حال جهان‌بینی چینی و باورهای عمومی تاریخ‌دار (فولکلور) و باورهای دینی حاکم بر جامعه چینی، هنوز در بخش گسترده‌ای از این کشور پابرجاست. افزون بر این در دو دهه اخیر از نگاه برخی دست‌اندرکاران فرهنگی، ولنگاری در فرهنگ آسیب‌های بزرگی به جامعه وارد نموده و در راستای زنده کردن ارزش‌ها، خواستار پیگیری آموزش متون کلاسیک در نظام آموزشی هستند؛ از این‌رو هنوز بخش بزرگی از جامعه چین، پایبند به آداب، باورمند به عقاید نیاکان و متعهد به برگزاری آیین‌های سنتی هستند و می‌توان آنچه ادیان ابراهیمی، خدایش می‌نامند را در ادبیات روزانه جامعه آنها یافت. این خدا، چه ویژگی‌هایی و به عبارت درست‌تر چه صفاتی دارد؟ آیا می‌توان او را برابر با خدا در ادیان ابراهیمی قرار داد یا خیر؟ شایسته است گذشته و آوردگاه این اندیشه را بررسی کنیم.

۲. مفهوم‌شناسی

در هر زبان و فرهنگی نه یک واژه، بلکه ممکن است چند واژه یا اصطلاح یا حتی بند، عبارت یا شبه‌جمله ناظر به مفهوم خداوند وجود داشته باشد. در فارسی نیز به جز خدا و الله، خداوند و خداوندگار، ایزد، پروردگار، آفریدگار، رب، حق و همچنین حضرت حق، خدای متعال (تعالی) و چه بسا در زبان کوچه‌بازاری اصطلاحاتی همچون اوستا کریم، همگی به نوعی می‌توانند در بردارنده معنا و مفهوم خدا باشند. در زبان چینی نیز است تا از نگاه تاریخی و جست‌وجو در متون کلاسیک، واژگانی را که ناظر به مفهوم خداوند هستند، بررسی نماییم. نخستین متون به‌جای‌مانده از چین باستان بیانگر این است که ساکنان شمال مرکزی کنونی چین، دودمان‌های «شانگ» و «یین»^۱ فرهنگ چین هزار پیش از میلاد را به پسینیان انتقال داده‌اند^۲ و بخشی از این باورها به گونه‌ای در دو کلاسیک (متن مقدس) «ئی جینگ»^۳ و «شانگ شو»^۴ ماندگار شدند. چنین می‌نماید که این مردم به نیروی فرازمینی و بلکه فراطبیعی

1. 殷人 (YIN REN)

2. 成云雷，《孔子天命思想与殷周文化传统》，《江南社会学院学报》，第1期（2002）: 45.

3. 易经 (YI JING)

4. 尚书 (SHANG SHU)

در جایگاه پدیدآورنده، قدرت برتر و سلطان بر هستی، باور داشته‌اند، آن را «تیین» به چینی 天 می‌خواندند.^۵

تیین که معنای نخست آن آسمان است،^۶ همواره در تاریخ چین در متون دینی به معنای خدا یا همان نیروی فرازمینی و فراطبیعی سلطان بر هستی بوده است. در کتاب شانگ شو نام کامل تییین به صورت «خائو تییین شانگ دی» به چینی 昊天上帝 به معنای فرمانروای والای آسمان پهناور نگاشته شده است.

پس از این در زمان فرمانروایی دودمان «جو غربی»^۷ و همچنین چند سده پس از آن یعنی دوره بهار و پاییز و دوره جنگ قلمروها از هفتصد تا دویست و بیست پیش از میلاد (جو شرقی)^۸ تییین جزء جدانشدنی از متون فلسفی، دینی و آیینی است و به تکرار در کلاسیک‌های چین باستان به چشم می‌خورد. چینیان در متون کلاسیک، ادبیات نوشته شده و نیز ادبیات روزمره برای سادگی در گفتار، بیشتر از شکل کوتاه‌شده آن یعنی «تیین»^۹ و گاه بخش پایانی آن 昊天上帝 یعنی «شانگ دی»^{۱۰} به چینی 上帝 استفاده می‌کردند. در کنار آن، گاه کاراکتر «شانگ» به معنای بالا در کنار «تیین» قرار می‌گرفت؛ همان ترکیب «شانگ تییین» که تعبیری از خدا یا مفهوم خدا به دست می‌آید. برای نمونه در کلاسیک شی جینگ^{۱۱} به چینی 诗经 همه این واژگان و اصطلاحات یادشده - یا به صورت کامل یا بخشی از آنها - آمده است.^{۱۲ و ۱۳}

۵. ممکن است در برخی نوشته‌های فارسی «تیان» نوشته شده باشد که تلاش ما اینجا تلفظ دقیق چینی آن است. توضیح آنکه تیان برگرفته از تلفظ انگلیسی یا زبان بین‌بین هستند که به صورت tian نوشته می‌شود.

۶. 曾延生, 汉语波斯语词典 (北京: 商务印书馆, 1997).

۷. 西周 (XI ZHOU)

۸. 东周 (DONG ZHOU)

۹. تییین به معنای آسمان مشترک معنوی است که معانی روز، آب و هوا و ... را در خود دارد، اما در متون دینی برابر با خدا و ... است.

۱۰. واژه شانگ معانی گوناگونی دارد از جمله بالا، پیش و ... متناسب با دستاوردهای بشری در دنیای مدرن، برخی صاحب‌نظران معاصر تلاش می‌کنند «شانگ» را به معنای پیش و پیشین معنا کنند و با این حساب، شانگ دی به معنای امپراتور و فرمانروای قبلی و پیشین است. این بدان معناست که چینیان باستان نیز هرگز به خدای بالای سر باور نداشته و بلکه به دلیل احترام و بزرگداشت نیاکان، امپراتور پیشین را ستایش و تقدیس می‌نمودند. این دیدگاه چندین طرفداری ندارد.

۱۱. کتاب شعر مقدس یا کلاسیک شعر یا همان شی جینگ یکی از پنج کتاب مقدس چین باستان است که در دوهزار سال گذشته در فرهنگ دینی چین نقش پررنگی داشته است.

۱۲. 大雅文王 (上帝即命), 大雅 云汉 (昊天上帝), 小雅 (如何昊天)

۱۳. 褚斌杰, 诗经全注, (北京: 人民文学出版社, 2021), 52.

«خدا» در باور و ادبیات روزمره چینیان / امام ۲۸۵

افزون بر اینها، از باورهای مهم چینیان - و شاید مهم‌ترین آنها - باور سر سپردن به مقدرات تیین^{۱۴} (آنچه از سوی تیین دیکته یا بر ما تقدیر شده) است که از انسان می‌خواهد در برابر آن تسلیم باشد و گردن نهد.^{۱۵} در کنار آن، باور به قربانی کردن و پیشکشی در برابر تیین جایگاهی بلند داشت. شاید این عبارت: «جنگ و قربانی دو امر مهم کشور است»^{۱۶} - که بارها در متون کلاسیک چین آمده است - نشان‌دهنده جایگاه قربانی باشد. تیین در مقام خدایی که فراتر از او و بالاتر از او قدرتی نیست همواره ستایش می‌شد و از او حاجت خواسته و شکایت نزد او برده می‌شد از همه مهم‌تر اینکه برای او از طرف بالاترین مقام کشور یعنی بغیور قربانی و پیشکشی داده می‌شد. در کنار این باورها، شاید بتوان از مراسم و دعای طلب باران نام برد که طی آن از «تیین» طلب باران می‌شد.^{۱۷}

۳. خدا در اندیشه مکتب کنفسیوس

در آغاز باید اشاره کنیم که اصطلاح مکتب کنفسیوس چندان دقیق نیست،^{۱۸} بلکه یکی از اندیشمندان «رو»^{۱۹} است؛ مکتبی دینی-فلسفی که جامعه چین در دو هزار سال گذشته بر پایدها و نبایدهای آن گذران زندگی کرده است. البته جایگاه او آنقدر بلند است که همه مکتب را به نام خود کرده است.^{۲۰} در سده پنجم پیش از میلاد و همزمان با آشفتگی سیاسی و اجتماعی و اخلاقی سرزمین شرق، دو اندیشمند به نام چین یعنی «کنفسیوس» و «لائوز» که هر دو مدتی را در کتابخانه‌های حکومتی مشغول کار بودند، راهکارهایی برای آرام کردن جامعه ارائه کردند. کنفسیوس در کلاس درس خود شاگردان را و در سخنان خود حاکمان را به بازگشت به آیین شکل‌گرفته در دوره‌های پیشین به‌ویژه دودمان جو غربی فرامی‌خواند؛ او پشت کردن به ارزش‌ها، آداب و رسوم گذشتگان و عیاشی و قدرت‌طلبی بیش از حد شاهزادگان را عامل اصلی جنگ‌های طولانی می‌دانست.

14. 天命 (TIAN MING)

۱۵. خواهیم گفت که «تیین مینگ» به چینی «天命» یعنی تقدیر و سرنوشت در نگاه برخی همان دانو یا قانون حاکم بر هستی تعریف می‌شود به گونه‌ای که نزد کمونیست‌ها نیز پذیرفتنی است.

16. 国之大事，在祀与戎

17. 涂世斌，《论商代的天人关系——以人祭祈雨为例》，《天府新论》，《儒学研究》，第3期 (2020): 44.

۱۸. در خارج از چین مکتب کنفسیوس شناخته شده است، اما در چین اصلاً چنین نیست و کنفسیوس یکی از اندیشمندان یا دست‌آخر پایه‌گذار مکتب «رو» است.

19. 儒家 (RU JIA)

۲۰. بخوایم برابری بدهیم همچون مکتب جعفری برگرفته از نام امام ششم.

از میان سخنان کنفسیوس در کتاب *لون یو*^{۲۱} که به دست شاگردانش گردآورده شده است، می‌خوانیم: انسان آرمانی (کامل) باید از سه چیز پروا کند و آنها را محترم بشمارد؛ از «تیین مینگ» به چینی 天命 یعنی اراده خدا،^{۲۲} از قدرتمندان و از سخن حکیمان.^{۲۳} در همین کتاب در ماجرای از دست دادن عزیزی کنفسیوس از شدت ناراحتی سر به آسمان بلند می‌کند و می‌گوید: 天丧予! یعنی: ای تیین! (خدایا) من را هم بمیران.^{۲۴} در ماجرای دیگری کنفسیوس می‌گوید: شما نمی‌توانید شرایط من را درک کنید، فقط «تیین» من را درک می‌کند.^{۲۵} درباره خدایان و ارواح (نه خداوند) کنفسیوس تلاش می‌کند تیین (خدا) را از خدایان بازشناساند و در عبارتی می‌گوید به خدایان احترام بگذارید، اما از آنها دوری کنید.^{۲۸} او برای بازشناسی جایگاه خدایانی که مردم به آنها باور داشتند و در پاسخ به کسی که می‌پرسد، کجا دعا کنیم؟ چنین پاسخ می‌دهد: اگر نافرمانی «تیین» کنی و به او توهین کنی، دیگر جایی برای دعا و توبه نیست.^{۲۹} در جای دیگری از کتاب *لون یو* می‌خوانیم که کنفسیوس می‌گوید: فضیلت‌های اخلاقی من از سوی تیین به من ارزانی شده و توی ای فلانی چه کار از دستانت ساخته است؟^{۳۰}

بحث از به کارگیری واژه «تیین» برای قدرت سلطان بر هستی یا همان خداوند محدود به این چند نمونه یا گفته‌های کنفسیوس نیست و در سراسر آثار فیلسوفان چین باستان قابل ردیابی است. باید توجه داشت که این «تیین» از آن جهت که قدرت ازلی و ابدی، پدیدآورنده و سلطان بر هستی است می‌تواند در کنار الله در دین اسلام برابر یا هم سنگ گذاشته شود، اما به دلیل یکسان نبودن در صفات به‌ویژه صفات فعل، نمی‌توان آنها را یکی دانست.

از اواخر سده دوم پیش از میلاد بود که پس از پیشنهاد عالمی از مکتب «رو» با نام «دُنْگ

21. 论语 (LUN YU)

۲۲. این واژه گاه سرنوشت هم ترجمه می‌شود، اما در اینجا به معنای اراده یا امر خداست.

23. 君子有三畏: 畏天命, 畏大人, 畏圣人之言.

24. 杨伯峻, 论语译注, (上海: 中华书局出版社, 2017), 251.

25. 杨伯峻, 论语译注, 160.

26. 知我者其天乎.

27. 杨伯峻, 论语译注, 222.

28. 成云雷, 《孔子天命思想与殷周文化传统》, 47.

29. 不然获罪于天, 无所祷也

30. 杨伯峻, 论语译注, 38.

31. 天生德于予, 桓魋其如予何?

32. 杨伯峻, 论语译注, 104.

«خدا» در باور و ادبیات روزمره چینیان / امام ۲۸۷

جنگ شو»،^{۳۳} بستری فراهم شد که اندیشه این مکتب به منزله دین مطرح شود و استاد بی چون و چرای آن یعنی کنفسیوس به جایگاه پیامبری رسانده شود.^{۳۴} از متون به جای مانده از این دوره می توان دریافت که «تیین» در این دوره از تاریخ چین همخوانی و شباهت بسیار بیشتری با خدا در ادیان ابراهیمی پیدا می کند. زیر تأثیر اندیشه های این عالم دینی مکتب «رو» در این دوره بر رابطه میان انسان و خدا تأکید می شود و به حاکمان هشدار داده می شود که چنانچه مراقب نباشند، خداوند از مسیر رخدادهای طبیعی همچون سیل و زلزله و عذاب های دیگر نارضایتی خود را به گوش شما خواهد رساند و شما را تنبیه خواهد کرد.^{۳۶}

تیین و مفهوم آن با پدید آمدن دین دائو^{۳۷} (دین دائوئیسم) یا با طرح نظریه های فلسفی از سوی اندیشمندان مشهوری همچون جو شی^{۳۸} در سده دوازدهم و وانگ یانگ مینگ^{۳۹} در سده شانزدهم در چند دوره دستخوش تغییراتی می شود، اما آنچه برای همیشه در زبان و ادبیات گفتاری مردم چین باقی ماند همان مفهوم خدای آفریدگار تمام مخلوقات، ازلی و ابدی، روزی دهنده و ... که در سده های نخست میلادی سامان یافته است و همخوانی بسیار زیادی با خدا در ادیان ابراهیمی دارد و برای بیش از دو هزار سال بخشی از فکر و ذکر چینیان بود و در ادبیات امروز چینیان نیز باقی است.

۴. خدا در دین دائو

«لائو ز»^{۴۰} - در فارسی گاهی به صورت لائوتسه نوشته می شود - دیگر اندیشمند چین باستان است که به درخواست یکی از مسئولین مرزبانی، دست به قلم برد و اندیشه های خود را با نام «دائو دا جینگ»^{۴۱} بر روی چوب های بامبو ماندگار نمود. گرچه نوشته اش در آغاز گمنام بود و

۳۳. در نگاه برخی معاصرین او متهم است که اندیشه فلسفی چین باستان را به نوعی به دین تبدیل کرده و باید و نبایدهای اخلاقی را واجب دینی برشمرده و به حکومت برای اداره کشور پیشنهاد داده است.

34. 汉书·传·董仲舒传_古诗文网, <https://www.gushiwen.cn>

۳۵. البته کشورداری و سیاست می طلبید تا به امپراتور با عنوان «天子» با تلفظ «تیین ز» به معنای بقیور یا فقیور (پسر خدا) خوانده شود تا جایگاه او هم نزد مردم کشور و هم قدرت های منطقه و کشورهای هم مرز شناسانده شود. چنین نمایانده می شد که اختیارات پادشاه از «تیین» تفویض شده است و از این رو همه باید به پادشاه گوش کنند، وگرنه مجازات خواهند شد.

36. www.gushiwen.cn/汉书·传·董仲舒传, (以观天人相与之际)

۳۷. از آنجا که دائوئیسم مکتب فلسفی شناخته می شود، پیشنهاد می شود دین دائو به کار گرفته شود.

۳۸. با نام چینی 朱熹 که برخی در فارسی نام او را به شکل ژوشی می نویسند.

۳۹. با نام چینی 王阳明

40. 老子 (LAO ZI)

41. 道德经 (DAO DE JING)

خود نیز گمنام درگذشت،^{۴۲} اما پسین‌ترها اندیشه‌های او، بنیان اندیشه داثوئیسم قرار گرفت و حتی در سده‌های دورتر، دین داثو^{۴۳} مبتنی بر باورهای او متولد شد و به‌مثابه دین بومی چینیان در سراسر کشور گسترش یافت.

در مکتب داثوئیسم^{۴۴} -به‌مثابه دومین جریان اندیشه چینی- نظریه «دائو» مطرح می‌شود. «دائو» هم‌زمان که در لغت به معنای راه و مسیر است، در نگاه «لائو ز»، یک مفهوم انتزاعی دربردارنده معانی بسیار ژرف است. در جایی از کتاب *دائو دا جینگ* می‌خوانیم که همه هستی سرچشمه گرفته از «دائو» بوده و داثو مادر هستی است.^{۴۵} همین‌طور تأکید می‌کند که این پدیدآورنده هستی از پیش از پیدایش زمین و آسمان‌ها بوده است و پس از آن نیز خواهد بود. از این بیشتر، کتاب *دائو دا جینگ* در گفتار هفتادونهم، واژه «دائو» را در کنار واژه «تیین» قرار می‌دهد و می‌نویسد: «تیین داثو»؛^{۴۶} با هیچ کس خویشی ندارد و همراه نیکان است.^{۴۷ و ۴۸} او در چند مورد به هنگام معرفی داثو تأکید می‌کند که این نامگذاری از سر ناچاری، عدم شناخت و بی‌نام بودن آن است.^{۴۹} البته این به این معنا نیست که لائو سخنی از تیین به میان نیاورده است، بلکه واژه «تیین» در کتاب *دائو دا جینگ* افزون بر اینکه به آسمان بالایی سر اشاره دارد، گاه معنای انتزاعی از قدرت برتر در هستی نیز داراست،^{۵۰} اما تأکید کتاب بر آن است که داثو از تیین فراتر است.^{۵۱}

هشتصد سال پس از لائو ز دین داثو شکل گرفت و او در مقام پیامبر یا همان پایه‌گذار دین معرفی شد و معنای داثو کمی دگرگون شد. در سده‌های دوم و سوم میلاد دین داثو مبتنی بر اندیشه‌های داثوئیسم بنا شد و در آن خدای خدایان و آن خدایی که فراتر از او هیچ قدرتی نیست با نام «یوان شی تیین زون» به چینی *元始天尊* به معنای خدای گشاینده آسمان‌ها خوانده شد.^{۵۲} البته وقتی به نام کامل خدا در دین داثو نگاه می‌کنیم به گونه‌ای آن را برابر با

۴۲. گفته می‌شود سوار بر گاوی مسیر غرب کشور را پیش گرفته بود، رفت و هیچ خبر و اثری از او به جا نماند.

۴۳. برای بازشناسی از مکتب فلسفی داثوئیسم، آن را دین داثو می‌نویسیم.

44. 道家 (DAO JIA)

45. 老子, *道德经*, (北京: 北京大学出版社, 2008), 58.

46. 天道 (TIAN DAO)

47. 老子, *道德经*, 300.

48. 天道无亲, 常与善人.

49. 老子, *道德经*, 130.

50. 党连文, *天人合一* (北京: 中国水利水电出版社, 2014), 65.

51. 金春峰, *汉代思想史, 修订增补第四版*, (北京: 中国社会科学出版社, 2018), 482.

۵۲. البته با توجه و تفاسیری این اتفاق رخ داد؛ مثلاً اینکه نور او پیش از خلقت زمین و آسمان بوده است و ...

«تیین» در اندیشه مکتب «رو» درمی‌یابیم؛ «خدای متعال که فراتر از او نیست».^{۵۳} در ادامه در متون دینی آمیخته به غلو پس از آن جایگاه لائو ز بالاتر برده شد به گونه‌ای که یکی از خدایان ساکن بارگاه آسمانی معرفی و در کنار و به گونه‌ای دستیار خدای گشاینده آسمان‌ها قرار داده شد و امروزه نیز بخشی از باورهای آنان است. همین امر سبب شد تا اندیشه لائو ز به گونه‌ای دستخوش دگرگونی‌هایی شود یا دست‌کم راه برای دستکاری آن گشوده شود؛ اما آنچه مهم است اینکه در ادبیات دینی و دعاها و نیز ادبیات روزمره مردم باورمند به دین دائو - و نه در متون فلسفی - باز این واژه تیین بود که ناظر به خدای آفریدگار هستی به کار گرفته می‌شد و تاکنون نیز چنین است.

۵. مثل‌ها و تکیه‌کلام‌ها

به هر روی در درازای تاریخ بلند چین واژگان، اصطلاحات، مثل‌ها و عبارات‌هایی در بردارنده باورمندی چینیان به خدا بیشتر و بیشتر شد که از میان آنها برخی تاکنون نیز باقی است و برخی آنها را در اینجا مرور می‌کنیم. در میان آنها، از همه پرکاربردتر اصطلاح 老天爷 با تلفظ «لائو تیین یه» است. «لائو» مشترک معنوی هم به معنای پیر و در موارد بسیار زیادی برای احترام و بزرگداشت در ابتدای یک اسم قرار می‌گیرد و روشن است که اینجا نیز چنین است؛ «یه» اما معنای دقیق آن پدر بزرگ، جد و نیا می‌باشد و در اینجا در کنار دو واژه «لائو» و «تیین» عبارتی کامل‌تر و از نظر احترام و بزرگداشت اصطلاح درخورتری را سامان داده است که برای خداوند به کار برده می‌شود.

شاید جالب باشد برای ما ایرانی‌ها که برای هر کار ساده سوگندهای جورواجور بر زبان می‌آوریم، چینی‌ها نیز هرگاه بخواهند برای اثبات سخن خود سوگند یاد کنند به «تیین» سوگند یاد می‌کنند می‌گویند: 推天发誓؛ چیزی همانند سوگند به خدا. ناگفته نماند که سوگند جایگاه مهمی نزد چینیان دارد و کمتر به آن دست می‌زنند.

شبه جمله 天啊 با تلفظ «تیین آ» به معنای «ای خدا» در زبان روزمره چینیان بسیار پرکاربرد است. گاه در این شبه جمله ضمیر من نیز اضافه شده به صورت 我的天啊 گفته که در این صورت به معنای «ای خدای من» یا «وای! خدای من» است. تقریباً تمامی مردم چین از این اصطلاح استفاده می‌کنند. باید توجه داشت که این عبارت همچون OH MY GOD در

53. 青玄祖炁玉清元始天尊妙无上帝.

انگلیسی یا سلام در عربی گاه می‌تواند از سر اعتقاد و باور دینی باشد همچنان‌که خاستگاه آن چنین بوده- و گاهی ممکن است به هنگام ترس، تعجب یا عادت و ارسالی از ناخودآگاه آدمی به زبان آید.

پیش از این اشاره‌ای به کلمه تیین مینگ به چینی 天命 داشتیم، تیین مینگ از دو بخش تیین یعنی آسمان و خدا و مینگ به معنای دستور و امر و فرمان تشکیل شده است و در ادبیات چینی معمولاً به معنای سرنوشت؛ قضا و قدر و البته گاه به معنای اراده خدا و فرمان خداوند فهم می‌شود. گفته آمد که چینیان باستان و حتی امروز باورمندی عمیقی به تقدیر و قضا و قدر داشته و دارند و در این خصوص عبارت 听天由命 به معنای «ببینیم خدا چه می‌خواهد» نیز در گفتار و ادبیات چینیان شنیده می‌شود؛ همچنین کلمه «تیین یی» به چینی 天意 به معنای اراده، مشیت و مصلحت «تیین» و خداوند نیز پرکاربرد است. باور ادیان چینی بر این است که مشیت تیین تغییری در آن نیست، پشت کردن به آن گناه است و انسان باید آن را بپذیرد و گردن نهد. در راستای همین باورها و فرهنگ سنتی حاکم بر چین، مردم به پیروی از خواست خداوند و سنت‌های جاری از سوی او خوانده می‌شدند؛ از این دست می‌توان به عبارت 顺应天意 اشاره کرد؛ یعنی همراهی و سرسپردن به خواست خداوند. نیز عبارت 顺天者存，逆天者亡 به معنای همراهی با «تیین» همانا ماندگاری است و مخالفت با او، فراموشی و زوال و از این دست جمله هاست. عبارت 天意不可违 نیز به معنای اینکه نباید به خواست خدا پشت کرد. البته ممکن است که کلمه «تیین» در این جمله از نگاه یک پیرو دین دائو یا یک فرد چینی با سبک اندیشه مدرن و امروزی به معنای قوانین طبیعت ترجمه شود؛ همچنانکه در جوامع مدرن دیگر کشورها چنین برخوردی با سنت‌ها می‌شود. در پایان این بخش، همانطور که در فارسی می‌گوییم خواست خدا بود، چینیان نیز عبارت «天意如此» را به کار می‌گیرند که معنای آن، همانی است که در فارسی می‌گوییم. به هر روی، اراده و خواست «تیین» یا همانا خدا از دیرباز در زبان و ادبیات چینیان جایگاه مهمی دارد و امروزه نیز زیاد شنیده می‌شود.

چینیان از دیرباز بر این باور بوده‌اند که اگر کسی از فرمان تیین (خداوند) سرپیچی کند، مورد خشم او قرار می‌گیرد؛ از این رو عبارت 天理不容 به معنای «خدا نخواهد بخشید» جمله‌ای است که در ادبیات گذشته و متون ادبی زیاد به چشم می‌خورد و امروزه نیز گاه شنیده می‌شود. این عبارت که برای پرهیز دادن آدمی از ستم کردن بر دیگران است در ادبیات چین بسیار پرکاربرد بوده و هست.

«خدا» در باور و ادبیات روزمره چینیان / امام ۲۹۱

به‌مانند ادیان ابراهیمی، داشته‌های انسان همانا نعمت‌هایی است که خداوند به آدمی داده یا در اختیار او نهاده است، در زبان چینی کلمه 天恩 با تلفظ «تیین ان» پرکاربرد است که به معنای نعمت و آنچه آفریدگار بر انسان ارزانی داشته می‌باشد. گرچه باز تکرار می‌کنیم که ممکن است در نظر اندیشه مدرن چینیان به دادنی‌های طبیعت فهم شود، اما در زبان و فهم سنتی آن چیزی است که خداوند به انسان عطا کرده است.

در پایان می‌توان به تکیه کلام آرزو یا دعاگونه^{۵۴}... 愿天 به معنای از خدا می‌خواهم که ... اشاره کرد. گرچه امروز مانند بسیاری از جوامع مدرن از تکه کلام «آرزو می‌کنم که» استفاده می‌شود، اما چینیان سنتی بیشتر از این عبارت دعایی استفاده می‌کنند و در ادامه آن خواست و آرزوی خود را می‌آورند؛ مثلاً عبارت دعایی یا آرزویی که پر استفاده است: 愿天保佑你了 به معنای «امیدوارم خدا تو را حفظ کند».

در ادامه ضرب‌المثل‌ها و عباراتی که نمایانگر صفات فعل خداوند است را بررسی می‌کنیم. بی‌شک یکی از پرکاربردترین مثل‌ها که نشان‌دهنده باور دیرین چینیان به خداوند است 人在做天在看^{۵۵} است؛ این جمله یعنی «آدمی انجام می‌دهد و خدا می‌بیند» یا همان «خدا داره می‌بینه». گاه این مثل همچون سوگند به خدا و مقدسات در فرهنگ فارسی کاربرد دارد و چینیان زیادی آن را برای اثبات حرف خود به خدمت می‌گیرند. البته گویاست که ممکن است برخی جای‌ها جز لقلقه زبان و لفاظی چیزی منظور گوینده و باوری عمیق نباشد که این منحصر به فرهنگ خاصی نیست. اگر بخواهیم از میان همه آنچه در این نوشتار آمده است به دنبال مثل یا اصطلاحی باشیم که حاکی از باورمندی چینیان به خداوندی که شباهت بسیار زیادی با ادیان ابراهیمی داشته باشد، این مورد بهترین و گویاترین است.

به این قسمت می‌توان عبارت 老天爷作证 را افزود که به معنای «خدا شاهده» است. در تکمیل این گفته می‌توان اشاره کرد به 皇天有眼 به معنای «خدا چشم دارد و می‌بیند». جالب آنکه در این اصطلاح، نام خدا به همان صورت 皇天 آمده که در متون کلاسیک چین باستان رایج بوده است و نه شکل ساده شده آن.

مثل دیگری که از سویی باورمندی به مقدرات و سرنوشت و از سویی به باورمندی به خداوند اشاره دارد و البته بسیار پرکاربرد نیز هست مثل 谋事在人成事在天 به معنای

54. YUAN TIAN...

55. ren zai zuo tian zai kan.

«اقدام به دست آدمی، اما شدن به دست خدا» است. شاید بتوان این مثل را چنین ترجمه کرد که کارها همه دست خداست و چنانچه آغازی به انجام نرسید از آن روست که قسمت و تقدیر چنین بوده است. تأکید می‌کنیم که این مثل نیز در گفتار روزمره چینیان بسیار پرکاربرد است.

عبارت 生死有命富贵在天 را می‌توان در اینجا افزود که به معنای «زندگی و مرگ مقدر است و خوشبختی در آسمان است» می‌باشد. اصل این ضرب‌المثل که البته در ادبیات امروزی کمی تغییر کرده برگرفته از سخنان کنفسیوس است.^{۵۶} 老天为你关上 一扇门就会为你打开一扇窗 به معنای «اگر خدا بر روی تو دری را ببندد پنجره‌ای را برایت خواهد گشود»؛ چیزی شبیه «خدا گر ز حکمت ببندد دری، ز رحمت گشاید در دیگری» که این مثل نیز نزد چینیان پرکاربرد است و به گاه نومی‌دی، بارقه‌های امید را به دل شنونده بازمی‌گرداند و بسیار تأثیرگذار است.

همچنین ضرب‌المثل 人算不如天算 به معنای «محاسبه انسان به‌خوبی محاسبه خدا نیست»؛ شاید بتوانیم آن را «واگذار می‌کنیم به خدا» یا «خدا حسابرس خوبی است» یا حتی «خدا احکم الحاکمین است» ترجمه کنیم.

در ادامه دو ضرب‌المثلی که به رحیم و رزاق بودن خداوند اشاره دارد را بررسی کنیم. 老天爷饿不死瞎家雀 به معنای اینکه خدا نمی‌گذارد گنجشک کور از گرسنگی بمیرد که ما در زبان فارسی معمولاً می‌گوییم خدا حواسش به همه چیز هست و روزی همه را می‌رساند. از این دست عبارات‌ها می‌توان به باورمندی به برخی صفات دست یافت.

اما دومی ضرب‌المثل 天无绝人之路 به معنای خدا انسان را در بن‌بست رها نمی‌کند. جالب آنکه این مثل برگرفته از جمله‌ای معروف از کتابی به‌جای‌مانده از سده هفدهم میلادی است که بخش نخست آن چنین است: اگر آدمی پشت به مشیت الهی کرد (در اثر گناهی یا هر اتفاقی در زندگی به بن‌بست رسید)، خداوند او را در بن‌بست رها نخواهد کرد. این جمله در نگاهی دقیقاً ممنوع بودن نومی‌دی از خداوند را به ذهن می‌نمایاند.

شکایت کردن از خدا یا شکایت بردن پیش خدا در میان همه ادیان وجود دارد که البته ممکن است کاری نکوهیده باشد. ممکن است با عبارت 老天爷为什么... طرف شکایت خود را طرح کند که خدایا چرا چنین و چنان شد.

«خدا» در باور و ادبیات روزمره چینیان / امام ۲۹۳

عبارت 天助我也 به معنای خدا به داد رسید یا خدا کارها را راست و ریس کرد، لطف خدا بود، خدا کمک کرد و ... جمله‌ای است که از کمک و امداد غیبی خداوند سخن دارد و چینیان هرگاه کارشان به سادگی انجام شود بر زبان می‌رانند و در ادبیات چین پر استفاده است. در کنار آن همچنین عبارت 天老爷保佑 را می‌شنویم که تقریباً به همین معنا از لطف و حمایت خدا حکایت دارد.

در کنار آنچه آمد، از اصطلاح دیگری می‌توان نام برد که به نوعی همان مفهوم آفریدگار دانای سلطان بر هستی را به ذهن نزدیک می‌کند. 苍天 با تلفظ «سانگ تین». بخش اول آن «蒼»^{۵۷} به معنای آبی و همان آسمان است که به دلیل اشتراک معنوی برای خداوند نیز استفاده می‌شود. برای نمونه 上蒼是公正的 به معنای «خداوند عادل است» یا قدری عامیانه‌تر خدا جای حق نشسته. عبارت 苍天有眼 به معنای اینکه خداوند چشم دارد و می‌بیند و ناظر بر کارهای ماست. البته این مثل به هنگام تهدید شخصی خلافکار یا کسی که بدی از او سر زده به کار گرفته می‌شود تا به او هشدار داده شود که خداوند تو را رها نخواهد کرد و به سزای خود خواهی رسید. پایان این بخش اشاره کنیم به این عبارت که 天网恢恢，疏而不漏؛ یعنی تور خداوند درشت‌باف و گسترده است، اما هیچ از آنها گنه‌کاری فرو نمی‌افتد؛ توضیح آنکه اگر توی گنه‌کار از تور مردم و پلس گذشته از تور خدا در امان نخواهی بود و به دام خواهی افتاد.

تکیه کلامها محدود به این چند نیست و اینها نشان‌دهنده نوعی باور به موجود ناظر به خداوندی ازلی و ابدی و البته تدبیرکننده امور، شاهد بر کردار آدمی و جزا و پاداش‌دهنده است.

در پایان یادآوری چند نکته می‌تواند ما را در نتیجه‌گیری از گفته‌های این نوشتار یاری می‌کند. نخست اینکه بررسی سیر تفکر دینی در چین به روشنی گواه این مطلب است که باورهای چینیان در دوره‌هایی دستخوش عوام‌زدگی و نوعی برخورد احساسی شده است که برای مدت چند سده -چهار سده نخست میلادی- به درازا کشید. همچنین زیر تأثیر گسترش ساخت‌وساز معابد بودایی، باورمندان تلاش داشتند تا خدایان خود را به گونه‌ای تجسم بخشند، عینی‌سازی و ملموس کنند تا به‌ویژه به هنگام عبادت بتوانند او را در برابر و پیش روی نهند و با او سخن گویند؛ در همین راستا ساختن تندیس و مجسمه فرشتگان رحمت و

۵۷. می‌توان آن را به صورت «تسانگ» نوشت؛ ناگفته نماند واژگان زیادی از زبان چینی را نمی‌توان دقیق به فارسی نوشت و ناچار نزدیک‌ترین تلفظ را انتخاب می‌کنیم.

عذاب و یا دیگر خدایان در چین رایج بوده است. در تاریخ بلند چین، نقاشان و نگارگران زبردست چینی تمثالی برای فرشتگان و خدایان کشیده یا هنرمندان چیره‌دست شرقی نماد، تندیس یا مجسمه‌ای برای آنها ساخته‌اند در معابد بودایی و دائویی گذاشته و آنها را محترم می‌شمردند و به هنگام دعا - حتی سخن گفتن با تیین که ناپیداست - در برابر می‌نهادند.

دین در چین امروز، امری کاملاً فردی است و هر کس می‌تواند هر باوری داشته باشد و ما در اینجا تلاش کردیم تا تنها در ادبیات روزمره جمله‌های ناظر به خداوند را مرور کنیم. تأکید می‌کنیم که فرهنگ حاکم بر بخش درخور توجهی از کشور چین هنوز فرهنگ سنتی و دینی است و زبان و ادبیات روزمره مردم پر است از واژگان و اصطلاحات و تکیه‌کلام‌هایی که حکایت از زندگی باورمندانه دارد. گرچه در فضای مجازی چند سال اخیر از سوی نسل جدید چین انتقادهای بسیار زیادی روانه پیکره باورهای سنتی شده است و شکل‌گیری برخی از این باورها در راستای کامیابی حاکمان و سیاستمداران برای دستیابی به قدرت روزافزون مشروع و موجه معرفی می‌شوند.

۶. نتیجه و نظر

جهان‌بینی چینیان و به‌ویژه فرهنگ عمومی مردم چین به رغم آنکه شهره به طبیعت‌محور بودن است، باز می‌توان در زبان روزمره آنها واژگان و اصطلاحات و تکیه‌کلام‌هایی یافت که به گونه‌ای دربردارنده باورمندی به خدای سلطان توانای آگاه ناظرِ فعالِ ازلِ ابدی است و از این روی همخوانی زیادی با بخشی از باورهای آموزه توحید در ادیان ابراهیمی دارد. این مهم در سده‌های نخست میلادی در میان متون باقی‌مانده به‌روشنی پیداست و پس از این نیز در ادبیات نوشتاری و گفتاری چینیان زیاد به چشم می‌خورد؛ اگرچه در نگاه فیلسوفان هزاره دوم میلاد دگرگونی‌هایی در مفهوم خدا پدید آمد.

نکته جالب آنکه واژه «تیین» که معنای نخست آن که آسمان بالای سر است برای خداوند به کار گرفته و تنها برای احترام پیش و پس از آن واژگان احترام‌آمیز گذاشته می‌شود. دیدیم که سانگ تیین نیز اشاره به آسمان آبی‌رنگ قابل مشاهده است، اما در معنای خداوند نیز به کار گرفته می‌شود. زین روی می‌توان نتیجه گرفت که در فرهنگ و تمدن چینی واژه‌ای و نامی جداگانه برای خداوند ساخته نشده است که بتواند دارای پیامی پرمعنا باشد؛ هیچ کس از آدمی یارای آن نیست که او را شناخته باشد و زان پس بر او نامی نهاده باشد.

در انجام تأکید می‌شود پرنسگ کردن همانندی‌ها در میان باورهای توحیدی ملتها

«خدا» در باور و ادبیات روزمره چینیان / امام ۲۹۵

می‌تواند پیامدهای مثبت و راهگشایی در زمینه روابط فرهنگی، زدو خورد اندیشه و گسترش پایداری به فرهنگ دینی به دنبال داشته باشد. به زبان ساده، اگر در دوره‌هایی از تاریخ، تلاش می‌شد تا دیوارهای فرهنگی بلندتری میان ملت‌ها کشیده شود، امروزه می‌توان همزمان با پایداری به باورها و حفظ خط قرمزها همانندی‌ها را پررنگ‌تر نشان داد تا بستر برای گفت‌وگو پدید آید، فهم دوسویه شکل بگیرد و راه برای نشر اندیشه‌ها هموارتر گردد.

سیاهه منابع

الف- منابع چینی:

- 曾延生(主编).汉语波斯语词典.北京:商务印书馆,1997.
- 老子.道德经.北京:北京大学出版社,2008.
- 杨伯峻.论语译注.上海:中华书局出版社,2017.
- 党连文.天人合一 领悟老子心中的自然神和人的灵魂.北京:中国水利水电出版社,2014.
- 褚斌杰.诗经全注.北京:人民文学出版社,2021.
- 涂世斌.《论商代的天人关系——以人祭祈雨为例.》天府新论 儒学研究,第3期(2020):43-50.
- 成云雷.《孔子天命思想与殷周文化传统.》江南社会学院学报,第1期(2002):45-48.
- 董仲舒.汉书·传·董仲舒传_古诗文网. <https://www.gushiwen.cn/>.